

روان‌شناسی تروریسم^۱

فصلنامه مطالعات بسیج، سال سیزدهم، شماره ۴۶، بهار ۱۳۸۹

رندی برن، روان‌شناسی تروریسم، تهران، دانشکده و پژوهشکده اطلاعات و امنیت، ۱۳۸۸، ۱۳۶ صفحه.

مقدمه

بی‌تردید تروریسم یکی از جدی‌ترین تهدیدها در محیط امنیت ملی به شمار می‌رود که منابع قابل توجهی را به خود اختصاص داده و ضربه‌های بسیار جدی را متوجه کشورها کرده است. گرچه تلاش‌های بسیاری برای درک تروریسم و رفتار خشونت‌بار تروریستها صورت گرفته، ولی این تلاشها اغلب فاقد پایه و اساس مفهومی برای درک تروریسم بوده و این خلأ باعث ایجاد چالش جدی در بسیاری از سطوح، از تصمیم‌گیری تا نحوه پاسخگویی یک کشور در برابر تروریسم می‌شود. علم روان‌شناسی در این عرصه سعی کرده است تا با ارائه چارچوب تحلیلی، به درک تروریسم کمک کند. گرچه یک روش معرفی مانند تمام روشهای درک یا تشریح رفتار انسان، دارای مزایا و محدودیتهایی است، با این حال، از آنجا که روان‌شناسی به عنوان علم رفتار انسانی تعریف شده، لذا یکی از مسیرهای عقلایی و سودمند برای بررسی پدیده تروریسم محسوب می‌شود.

بررسی محتوایی کتاب

نویسنده کتاب پس از ارائه تعریفی از تروریسم، به روشهای روان‌شناختی درک خشونت می‌پردازد. در تعریف تروریسم آمده است: تروریسم عبارت است از اعمال خشونت‌باری

1. Psychology of Terrorism

که به طور عمده علیه افراد غیر نظامی اعمال شده و هدفشان پیشبرد مقاصد ایدئولوژیکی است. با توجه به عاملان تروریسم، تمرکز این کتاب بر فعالان غیر دولتی است.

این بخش از کتاب، برخی از نظریه‌های اصلی روان‌شناختی از جمله نظریه غریزه، نظریه انگیزه جلو برنده (ناکامی - تجاوز)، نظریه آموزش اجتماعی، نظریه شناختی، روشهای بیولوژیکی و روشهای تجربی خام را برای درک خشونت تروریسم مورد توجه قرار داده است و چنین نتیجه‌گیری کرده که هیچ نظریه‌ای نتوانسته به عنوان مدل تشریحی برای انواع خشونت مورد تأیید قرار گیرد. تنوع رفتارهایی که به عنوان خشونت محسوب می‌شوند، مانعی ذاتی در برابر یک نظریه کلی ایجاد می‌کنند؛ ولی در میان روشهای مورد اشاره، روش آموزش اجتماعی و روش شناخت اجتماعی بیشترین توجه را به خود اختصاص داده‌اند.

کتاب پس از مروری بر نسل اول و دوم تحقیقات روان‌شناسی تروریسم، به تحقیقات معاصر پیرامون روان‌شناسی تروریسم می‌پردازد. بر اساس یافته‌های تحقیقات معاصر، سه عامل بی‌عدالتی، هویت و تعلق داشتن، به همراه هم در تروریست‌ها مشاهده می‌شود که تأثیر زیادی بر تصمیم‌گیری افراد برای ورود به سازمانهای تروریستی و دخالت در فعالیتهای تروریستی دارند. این تحقیقات گویای آن است که علت اصلی تحریک روانی برای پیوستن به گروه تروریستی، نیاز شدید به تعلق داشتن و نیاز به تحکیم هویت فرد است. در نتیجه، نیاز به تعلق داشتن به همراه هویت شخصی ناقص، عامل مشترکی است که در درون گروهها وجود دارد.

هیچ پاسخ ساده یا انگیزه واحدی برای تشریح علت تبدیل شدن افراد به تروریست وجود ندارد. به همین ترتیب، فرایندها و مسیرهای نحوه ایجاد در این وضعیت کاملاً متنوع و متفاوت هستند. پژوهشگران، تمایز میان دلایل پیوستن، باقی ماندن و ترک سازمانهای تروریستی را آغاز کرده و دریافته‌اند که انگیزه‌ها می‌توانند در هر مرحله متفاوت بوده و لزوماً ارتباطی هم با هم نداشته باشند. ظاهراً نقاط آسیب‌پذیری و مشاهدات مشترکی در میان کسانی وجود دارد که به تروریسم روی می‌آورند که عبارتند از: مشاهده بی‌عدالتی، نیاز به هویت و نیاز به تعلق داشتن، اما افرادی هم وجود دارند که دارای همین ویژگی هستند، ولی تروریست محسوب نمی‌شوند.

بخش بعدی کتاب، تروریسم را به عنوان عملکرد بیماری سنجی یا سندرم‌های اختلال شخصی مورد بررسی قرار می‌دهد و چنین نتیجه‌گیری می‌کند که بیماری‌های روحی و اختلالات ذهنی، عوامل مهمی در رفتار تروریستی به شمار نمی‌روند. بررسی‌ها نشان می‌دهد وجود بیماری روحی در میان نمونه‌هایی از تروریست‌ها بسیار کم است. ویژگی‌های شخصیتی، عامل بصری است که در بررسی تروریسم مورد بررسی قرار می‌گیرند.

نقش ایدئولوژی در رفتار تروریستی، محور بعدی این بخش را تشکیل می‌دهد. نویسنده پس از ارائه تعریفی از ایدئولوژی، به ویژگی‌های ساختاری مشترک آنهایی که به زعم نویسنده از تروریسم حمایت می‌کنند، می‌پردازد. نویسنده معتقد است همه ایدئولوژی‌های افراطی سبب تسهیل خشونت نمی‌شوند و همه افراطیون هم خشن نیستند و جهت فعالیت آنها، ارتقای هدف است.

نقاط آسیب‌پذیر گروه‌های تروریستی، موضوع دیگری است که این کتاب به آن پرداخته است. گروه‌های تروریستی مانند همه گروه‌های اجتماعی دارای نقاط آسیب‌پذیری برای بقای خود هستند که برخی از آنها از داخل سازمان و برخی از خارج عمل می‌کنند. مهم‌ترین آسیب‌پذیری‌های داخلی عبارتند از: عدم اطمینان، بی‌حوصلگی، بی‌کاری، رقابت برای قدرت و مهم‌ترین آسیب‌پذیری‌های مشترک خارجی عبارتند از: حمایت خارجی، حمایت مردم و کشمکش‌های بین گروهی.

بخش بعدی به بررسی برخی مشاهدات مربوط به نحوه تغییر سازمان‌های تروریستی در طول زمان، جذب نیرو، نحوه تدوام حیات گروه‌ها، نقش رهبری و فرایندهای فروپاشی گروه‌های تروریستی پرداخته و با نتیجه‌گیری به پایان می‌رسد.

ذکر این نکته ضروری است که نویسنده بر مبنای نگرش خاص خود، تلاش کرده است پدیده‌های جهانی را تفسیر و تئوریزه کند. لذا از این جهت، این تحقیقات جهت‌دار بوده و مطالعه آن مستلزم دیدگاه اقتصادی به موضوع مورد بررسی می‌باشد. ولی به جهت روشی و آشنایی با دستاوردهای این گونه تحقیقات، سودمند و قابل مطالعه است.